



می‌کنند. شخصیت‌پردازی ضعیف و تحریف و کاراکترهای اضافه و باری به هر جهت، بر سر فیلم آوار شده اند و زبان آن پرلکنتس و گنگ کرده‌اند. اتفاقات اضافه هم در فیلم پدید می‌کند. به طور مثال، سکانسی که سر و کله پلیس‌ها پیدا می‌شود یک موقعیت‌سازی مک‌گافین‌وار است و فقط برای دقایقی همچون مجسمه‌ای بی احساس و فاقد درک انسانی، بالای سر تازه فوت کرده ریاکارانه و متظاهرانه هم به فیلم می‌دهد. چون این سکانس اصلاً کارکرد واقعی در فیلم ندارد و حذف آن لطمه‌ای به ساختمان فیلم وارد نمی‌کند. به طور کلی، «علت مرگ نامعلوم» می‌توانست یک فیلم کوتاه‌ه برای حضور در جشنواره فیلم کوتاه تهران و یا جشنواره های محلی و منطقه‌ای باشد.

کمال تعجب، پرسوناژهای فیلم «علت مرگ نامعلوم» که در قالب یک کاروان گرد هم آمده‌اند، وقتی به واقعیت هولناک مرگ یکی از همسرانشان برمی‌خورند، آنچنان سرد و بی تفاوت ساده طرف شده اند! عجیب اینکه حتی زنان جوان حاضر در این کاروان، همچون مجسمه‌ای بی احساس و فاقد درک انسانی، بالای سر تازه فوت کرده لحتظات را می‌گذرانند! واقعیت این است که این فیلم در سطح متوسط سینمایی ما قرار دارد و قطعاً نماینده شایسته‌ای برای هنر هفتم ما در جهان نیست. چون فیلمی است که در قالبی تلویزیونی ساخته شده و به دلیل ریتم کند و فضای دراماتیک ضعیف، در همان دقایق اول، مخاطب را دچار ملال و دلزدگی

ساخت موقعیت بوده؛ اما نه ایده فیلم ازگی دارد -قبلاً در فیلم های دیگری ازجمله آثار فرهادی مشابه آن را دیده بودیم- و نه روایتی درست و کامل دارد و نه ساختاری کم عیب و نقص! مشکل بزرگ «علت مرگ نامعلوم» این است که با وجود تظاهر به واقع‌گرایی، به شدت تصنعی و جعلی

فیلم «علت مرگ نامعلوم» سال گذشته در سینماهای کشور اکران شد و با وجود فضاسازی تبلیغاتی گسترده و حمایت برخی از رسانه های دولتی و حاکمیتی، شکست خورد؛ ارگان رسانه‌ای دولت یعنی روزنامه ایران مطالب مفصلی برای این فیلم انتشار داد و صداوسیما هم نقدهای مثبت اغراق آمیزی را تقدیم این فیلم کرد اما درنهایت «علت مرگ نامعلوم» به یکی از فیلم‌های کم تماشاگر سال تبدیل شد و می‌رفت که مثل خیلی دیگر از آثار، اما باز هم دولت به داد این فیلم رسید و معرفی آن به عنوان نماینده سینمای ایران در اسکار ۲۰۲۶ باز هم نامش را بر سر زبان‌ها انداخت و باعث شد تا بیشتر دیده شود.

«علت مرگ نامعلوم» روایتی درباره کشمکش اخلاقی و منفعت‌طلبی را در یک موقعیت تراژیک و تاریک، برساخته است. بازناب رفتار آدم‌ها در موقعیت‌های بغرنج و سوءتفاهم برانگیز، محور اصلی درام در این فیلم است. چیزی شبیه به «درباره‌الی» اصغر فرهادی، که مرگ یک انسان، موجب شکل‌گیری شبکه‌ای از کشش‌ها، احساسات و رفتارهای نامهمگون بین یک گروه محدود از افرادی می‌شود که همسرقت شده‌اند. موقعیتی که در آن، کاراکترها از رفتار عادی و روزمره خارج می‌شوند و باطن واقعی‌شان را رو می‌کنند. طوری که گاه برخلاف زست و ظاهر قبلی، به انسان‌هایی دور از تمدن و افسارگسیخته بدل می‌گردند. تا اینجا کار، مسئله چندان جدی نیست، اما مسئله انجایی است



## جادوگران در گرما می‌دمند یا بازشان می‌کنند؟

فاطمه قاسم آبادی

تقریباً بعد از قدرت گرفتن جنبش‌های فمینیستی، هر کجا در تاریخ، اثر و ردپایی از زنان بود که جرمی مرتکب شده‌اند، بیرون این تفکر وارد میدان شدند و سعی کردند به هر طریقی حق را به زنان بدهند و تطهیرشان کنند. این مسئله حتی وقتی زنان موردنظر، مرتکب جنایت‌های بی‌رحمانه هم شده بودند، اتفاق افتاده است!

در مورد جادوگرانی که در قرن‌های گذشته و به خصوص در کشورهای غربی به مرگ محکوم شده‌اند هم وضعیت به همین منوال است. جریال‌های فمینیستی سعی کردند با داستان‌هایی از قبیل شفایختن بون جنین زبانی و منهم کردن جامعه مردسالار و... از این جادوگران اعاده حیثیت کنند و به کارشان مشروعیت بدهند.

مستند «جادوگران» ساخته «الیزابت سن کی»، محصول سال ۲۰۲۴ انگلستان است. این مستند به زندگی زنان امروزی و افسردگی‌شان و شباهت‌هایشان با جادوگران در گذشت و حال می‌پردازد!

### ماجرای افسردگی پیش یا پس از زایمان؟

داستان مستند جادوگران، الیزابت بیشترین سابقه‌سازنده مستند الیزابت سن کی، شروع می‌شود که ابتدا از علاقه‌اش به جادوگری می‌گوید او تعریف می‌کند که چطور از زمان کودکی به خاطر کتاب داستان‌ها، فیلم‌ها و سریال‌ها و... مجذوب دنیای جادوگران شده است و همیشه آرزوی مرگ تا یک روز جادوگر شود! او در مورد اینکه همیشه دلش می‌خواست از زندگی خسته‌کننده و روزمره فرار کند می‌گوید و دلایلش برای علاقه به دنیای تاریک را با چاشنی فانتزی‌هایش تعریف می‌کند. بعد او در مورد تجربه مادر شدنش می‌گوید و اینکه مقدر افسردگی پس از زایمان او را دوباره کرد و از این‌جا به بعد مادران مختلف در مورد تجربه‌های افسردگی‌شان و اینکه می‌خواستند به کودکانشان صدمه بزنند صحبت می‌کنند... در نهایت بحث به اینجا می‌رسد که زنان قدیمی که به جادوگری می‌گویی و اینکه مقدر افسردگی پس از زایمان او را دوباره کرد و افسردگی پس از زایمان بوده و این قضایا ربط مستقیمی با جادوگری و کارشان نداشته است!



### سلسله هالیوود بر ذهن مردم

در مستند جادوگران، مخاطبین می‌بینند که از ابتدای ماجرا، الیزابت بیشترین صحبت را در مورد تجربه‌هایش می‌کند و مدام از فیلم‌ها و سریال‌هایی که دیده مثال می‌زند و خودش را با قهرمانان فانتزی داستان‌های هالیوودی مقایسه می‌کند!

بیان جملات فیلم «نوسفراتو» در مورد فرار از زندگی روزمره و پناه بردن به اغوش تاریکی و جواب گرفتن از آن هم عجیب و جالب توجه است.

در ادامه و در بهترین حالت، این مادر جوان بعد از تجربه شدن خودش را با شخصیت «ماریو» در فیلم «تالی» مقایسه می‌کند که به خاطر افسردگی پس از زایمان به نوعی بیماری اسکیزوفرنی مبتلا شده بود و با شخصیتی خیالی برای پیدا کردن آرامش صحبت می‌کرد... نشان دادن این میزان از تاثیر رسانه بر روحیات و شخصیت انسان‌های مجذوب دنیای فیلم و سریال، در مستند جادوگران قابل توجه است. اینکه کسی کاملاً چشم‌پسته و صرفاً از روی فیلم و سریال‌ها، عاشق دنیای کثیف جادوگری بشود، ترسناک به نظر می‌رسد، مخصوصاً اینکه تمام تولیدان مربوط به جادوگران در فیلم‌ها و سریال‌ها سفیدشویی نشده است.

اگر بخواهیم بهتر بگوییم، در این مستند ابتدا مثالی در مورد فیلم محبوب «جادوگر شهر آژ» و نمونه‌های بامزه‌ای که در آنها جادوگران خوب نجات بخشند می‌زند ولی در ادامه می‌بینیم که تکه‌هایی از فیلم‌های نشان داده می‌شود که رسماً جادوگران را در قامت شیاطین نشان می‌دهد و الیزابت هم، همچنان با علاقه در مورد فانتزی‌های جادوگری صحبت می‌کند!

البته در این میان نباید تاثیر هالیوود را در تطهیر شیاطین و قدرت‌بخشیدن به انسان‌های فاسدی که به سمت جادو و جادوگری رفته‌اند، دست‌کم گرفت.

ساخت خوراک فکری از روی داستان‌ها و کتاب‌هایی که در غرب به وفور راجع به جادوگران و دنیای شیاطین نوشته شده است، باعث شد تا موجودات اهریمنی در ذهن مخاطبان ساخته‌های هالیوودی، به شخصیت‌هایی جذاب و الگوهای ارزشمند تبدیل شوند.

### جادوی خوب و جادوی بد

در مستند جادوگران موضوعاتی مانند افسردگی پس از زایمان، علاقه به فانتزی‌های هالیوودی و تفکرات فمینیستی، در هم آمیخته شده تا مخاطبین بتوانند با آن همذات‌پنداری کنند ولی نتیجه کاملاً برعکس از آب در آمده است.

مخصوصاً که مخاطبین آگاه با توجه به اطلاعات بسیار زیادی که در این زمینه وجود دارد، می‌دانند که ربط موضوعات فوق به هم، کاملاً بی‌سر و ته است.

از ابتدای مستند، سازنده خودش را در شمال یک دختر بچه علاقه‌مند به داستان‌ها و فیلم‌های مربوط به جادوگری نشان می‌دهد و کماکان تا انتهای مستند هم هیچ نشانه‌ای از رشد و بلوغ فکری در سازنده دیده نمی‌شود!

حقیقت این است که جادوگری تنها خولان‌برده‌ای بی‌معنی و دین‌شعبه‌داری در ساخته‌های هالیوودی نیست. طبق اعتقادات ادیان ابراهیمی، جادوگری رسماً جنگ با خداوند است و در مسیحیت و اسلام هم جادوگری به‌شدت محکوم است.

با توجه به اعتقادات مذهبی چیزی با عنوان جادوی خوب و بد وجود ندارد و جادوگر که با اجنه و شیاطین در ارتباط است، معمولاً در ازای گرفتن خواسته‌اش، جنایت‌های بزرگی مرتکب می‌شود.



سازنده مستند جادوگران به عنوان یک زن انگلیسی، در کشوری زندگی می‌کند که بیشترین گرایش را به چنین موضوعی در اروپا دارد، شاید او با کمی تحقیق می‌توانست چنین چیزهایی را نفیهد تا در مستند چنین نوجوانان مسخ رویاهای فانتزی، از جادوگری نگوید!

البته به احتمال زیاد مغز متفکر ساخت چنین مستندی هم مانند بقیه آثاری که در تطهیر اعمال شیطانی تلاش می‌کنند، اشخاص دیگری هستند و تنها یک زن با تفکرات دست و پا شکسته فمینیستی را جلو انداخته‌اند و بودجه ساخت در اختیارش داده‌اند!

واقعیت این است که انگلستان به عنوان کشوری شناخته می‌شود که جادوگری در آن به‌شدت رواج دارد و تفکرات شرک‌آمیز و خرافی در مورد رجوع به جادوگران در این کشور، بیشتر از بقیه کشورهای اروپایی است.

این علاقه به حدی زیاد است که در ادبیات این کشور هم نفوذ داشته است. آثار مشهوری مانند مجموعه هری پاتر، مجموعه ارباب حلقه‌ها، مجموعه تیغ شمشیر، جانان استرنج و آقای نورل و... از این دست کتاب‌ها هستند.

البته بعد از چند دهه، به خاطر اقتباس‌های هالیوودی از چنین آثاری، بازار نوشتن در مورد جادو و جادوگران چنان گرم شد که نویسندگان آمریکایی هم وارد این صنعت پولساز شدند و در حال حاضر تعداد زیادی از کتاب‌های مربوط به جادوگری، نوشته نویسندگان آمریکایی است به امید اینکه با اقتباس‌های هالیوودی، سود زیادی را نصیب نویسندگان و انتشارات‌شان بکنند.

با توجه به تمرکز هالیوود و دنیای سرگرمی غرب برای شکستن قبح مسئله‌های مانند جادو در ذهن مخاطبان و تبدیلش به یک مسئله عادی و حتی جذاب، کاملاً مشخص است که اتاق فکرهایی برای این طرح از مدت‌ها قبل دست به کار شده‌اند و بودجه‌های هنگفتی را هم به این امر اختصاص داده‌اند.

### دنیایی با معنویت شیطانی!

مخاطبین در مستند جادوگران می‌بینند، تمام زمانی که از تجربیات پس از زایمان و افسردگی‌شان می‌گویند، زانی مدرن و امروزی هستند و اعتقادات خاصی ندارند. این زنان بدون استئنا کارشان به بیمارستان کشیده شده و همگی با کمک دارو و بستری شدن توانسته‌اند از فکر آسیب‌زده‌شان بیرون بیایند...

در زندگی‌های شرقی که کانون خانواده همچنان در آن گرم است، سواى اینکه زنان چه تفکرات اعتقادی دارند، خانواده‌ها از آنان تا حد امکان حمایت می‌کنند. برای مثال بعد از تولد فرزندان، معمولاً در خانواده‌های شرقی مادر دختر یا اعضای خانواده‌اش مدتی برای مراقبت از او به منزلش می‌روند و با درست کردن غذاهای مقوی و با طبع گرم (برای پیشگیری از غلبه سردی بعد از زایمان و بروز افسردگی) و حمایت از او کمکش می‌کنند. معمولاً زنان جوانی که چنین حمایت‌هایی دارند، از این دوره سخت، راحت‌تر عبور می‌کنند و به روال عادی برمی‌گردند.

البته این به معنای نبود افسردگی پس از زایمان برای زنان شرقی نیست ولی وجود خانواده و حمایت‌ها و اعتقادات معمولاً کمک می‌کند تا زنان بتوانند با آسیب کمتر از این دوران عبور کنند.

در مستند جادوگران اما چنین چیزی وجود ندارد، مخاطبین می‌بینند که این زنان معمولاً خود را در افسردگی‌های‌شان تنها می‌بینند و کمک همسرانشان هم به تنهایی نمی‌تواند نجات‌بخش باشد و به خاطر همین هم معمولاً تا مرز فکر به آسیب به کودکان و دیوانگی، پیش می‌روند.

در مستند جادوگران از ابتدا تا انتها سعی می‌شود از جادوگران به عنوان شفایختن (معادل دکترهای تجربی امروزی منتها بدون مدرک معتبر) یا داروساز یاد می‌شود و طوری نشان داده می‌شود گویی آن‌ها عده‌ای خیر بوده‌اند که مردم عادی بدون هیچ دلیل خاصی و صرفاً به خاطر تعصب یا آن‌ها مشکل داشته‌اند!

معنویت بخشیدن به چیزهای شیطانی که کاملاً ضد معنویت هستند، در ساخته‌هایی مانند مستند جادوگران به‌شدت به چشم می‌خورد. در چنین تولیداتی معمولاً جای ظالم و مظلوم عوض می‌شود و همه‌چیز برعکس به مخاطبین خورنده می‌شود.

مستند جادوگران از طرف مخاطبین، نمرات متوسطی دریافت کرد و منتقدین هم استقبال چندانی از آن نکردند ولی با توجه به رواج مسائل مربوط به جادو و جادوگری، ساخت چنین اثری در حمایت از جادوگری و ربط دادن آن به حمایت از زنان، قابل توجه است.

رسانه در توانمندسازی جوامع محلی تأکید دارند و «ایران سبز» نمونه‌ای زنده از این رویکرد است. بخش تعاملی برنامه، با مشارکت مستقیم مردم روستا در تولید محتوا، رابط سنتی مخاطب و رسانه را به کنشگری تبدیل می‌کند و نشان می‌دهد چگونه رسانه می‌تواند به ابزاری برای ارتقای آگاهی و مشارکت تبدیل شود.

در کنار روایت‌های انسانی، ارائه اطلاعات دقیق درباره قوانین کشاورزی و حمایت‌های دولتی، اهمیت آموزشی برنامه را دوچندان کرده است. این محتوا برای بخش زیادی از مخاطبان که دسترسی محدود به رسانه‌های دیجیتال دارند، نقش منبع آموزشی مکمل را بازی می‌کند.



## «ایران سبز» و بازسازی چهره روستا در رسانه ملی

می‌دهد چگونه روستاییان با بهره‌گیری از دانش محلی و نوآوری، به پیشرفت خودکفایی اقتصادی در مناطقشان دست یافته‌اند و نقش مهمی در اقتصاد ملی ایفا می‌کنند.

از دیدگاه ساختاری، این برنامه دارای چند لایه محتوایی است: گفت‌وگو با مردم و فعالان فرهنگی و اقتصادی و پوشش آیین‌ها و مشاغل سنتی،

ظاهر می‌شود و با نشان دادن انسان‌هایی واقعی که با هوشمندی و خلاقیت در دل طبیعت زندگی می‌کنند، به بازآفرینی هویت روستایی در گفت‌وگو ملی کمک می‌کند. این برنامه به برجسته کردن ظرفیت‌های اقتصادی هر روستا، از جمله تولیدات کشاورزی متنوع، صنایع دستی بومی و مدیریت پهنه منابع طبیعی و انرژی‌های تجدیدپذیر، نشان

روستا همیشه تصویری آرام و ساده داشته؛ خانه‌های گلی، صدای حیوانات، و بوی نان داغ تنور. اما پشت این آرامش ظاهری، زندگی جریان دارد، دست‌هایی که از صبح زود تا غروب مشغول تولید و خلق فرصت‌های اقتصادی‌اند، هویتی ساخته می‌شود که ریشه در خاک و تاریخ دارد. با این حال، فعالیت‌های اقتصادی و ظرفیت‌های روستا، آن‌قدر که باید، در رسانه‌ها دیده نمی‌شود؛ مثل گنجی پنهان که کمتر به چشم آمده است. برنامه «ایران سبز» آمده تا این گنج مغفول را به تصویر بکشد، تا صدای تلاشگرانی باشد که با کار و خلاقیت، موتور پیشرفت را در دل ایران روشن نگه داشته‌اند.

برنامه «ایران سبز» برای برنامه‌های معمول روستایی متمایز می‌کند، نوع نگاه و ساختار محتوایی آن است. این برنامه نه تنها زندگی واقعی مردمان روستا و عشایر را با تمام ظرفیت‌ها و چالش‌هایش نشان می‌دهد، بلکه با گفت‌وگو با کارآفرینان موفق روستایی و مدیران تعاونی‌های روستایی، معرفی آیین‌ها، مرور قوانین مرتبط با کشاورزی و بخش تعاملی «پوشش روستایی من» بستری برای مشارکت مستقیم مخاطبان فراهم کرده است.

برنامه «ایران سبز» را از برنامه‌های معمول روستایی متمایز می‌کند، نوع نگاه و ساختار محتوایی آن است. این برنامه نه تنها زندگی واقعی مردمان روستا و عشایر را با تمام ظرفیت‌ها و چالش‌هایش نشان می‌دهد، بلکه با گفت‌وگو با کارآفرینان موفق روستایی و مدیران تعاونی‌های روستایی، معرفی آیین‌ها، مرور قوانین مرتبط با کشاورزی و بخش تعاملی «پوشش روستایی من» بستری برای مشارکت مستقیم مخاطبان فراهم کرده است.

برای بازیگری را در نفس نمی‌بیند. این تناقض میان حمایت‌های عملی و اظهارات رسمی، درباره صداقت و شفافیت بازغی ابهام ایجاد می‌کند. یکی دیگر از نکات قابل توجه، جایگاه پڑمان بازغی در خانه سینما است؛ جایی که او رئیس انجمن

برای بازیگری را در نفس نمی‌بیند. این تناقض میان حمایت‌های عملی و اظهارات رسمی، درباره صداقت و شفافیت بازغی ابهام ایجاد می‌کند. یکی دیگر از نکات قابل توجه، جایگاه پڑمان بازغی در خانه سینما است؛ جایی که او رئیس انجمن



موضوع گفته بود که علت این اقدام، اعتراض به وضعیت مالی هنرمندان بوده است. با این حال، سابقه کاری و دستاوردهای اقتصادی او - از پروژه‌های سینمایی گرفته تا مجری‌گری و حضور فعال در تلویزیون - نشان می‌دهد که وضعیت مالی او چندان بحرانی نیست و این توضیح می‌تواند بیش از آنکه یک اعتراض واقعی باشد، بهانه‌ای برای توجیه رفتارش تلقی شود. اگر هم هدف دفاع از هنرمندان کمتر مشهور بوده

پڑمان بازغی، بازیگر پرکار سینما و تلویزیون ایران، طی سال‌های اخیر همواره در مرکز توجه رسانه‌ها و مخاطبان بوده است؛ البته صرفاً به دلیل بازی‌هایش نبوده و او به واسطه مواضع و رفتارهایی که گاه جنجالی و پرابهام تلقی شده‌اند نیز مطرح بوده است. آخرین بحث‌ها در پیرامون او به ماجرای عدم اجرای سرود ملی در یک بازی دوستانه هنرمندان بازمی‌گردد. بازغی در مصاحبه‌ای با اشاره به این

## پڑمان بازغی؛ از اعتراض تا تناقض‌های آشکار

بازیگران است و نقش وی می‌تواند روی سیاست‌ها و تصمیمات صنفی و حمایت از هنرمندان تأثیرگذار باشد. همین مسئله تناقض بین ادعای اعتراض مالی در سنین نوجوانی و جوانی به عرصه بازیگری وارد شده است. برخی معتقدند حضور نفس در سینما و تلویزیون تا حد زیادی به پشتوانه و نفوذ پدرش بوده می‌تواند بستری برای اقدامات عملی باشد، اما تاکنون عمدتاً شاهد اظهارات شخصی و جنجالی بوده‌ایم تا تغییرات ملموس در حمایت از هنرمندان.

برای بازیگری را در نفس نمی‌بیند. این تناقض میان حمایت‌های عملی و اظهارات رسمی، درباره صداقت و شفافیت بازغی ابهام ایجاد می‌کند. یکی دیگر از نکات قابل توجه، جایگاه پڑمان بازغی در خانه سینما است؛ جایی که او رئیس انجمن